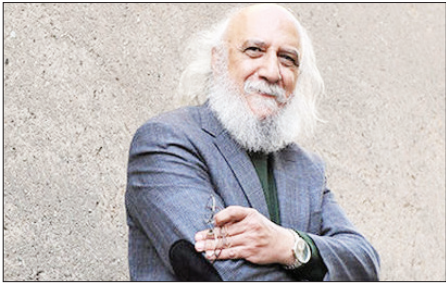


از نمایش آثار کالیگرافی دهه ۵۰ تا افتتاح باغ موزه بهبهانی

تاها بهبهانی هنرمند نقاش و مجسمه‌ساز قصد دارد امسال همزمان با افتتاح باغ موزه خود مروری بر آثار کالیگرافی‌اش که مربوط به سال‌های ابتدایی دهه ۵۰ است، داشته باشد. بهبهانی اولین کسی بود که در سال ۵۰ یک سری کار تایپوگرافی انجام داد که در آن زمان چنین عنوانی نبود. حالا او می‌خواهد مروری داشته باشد بر کارنامه خود.



یادداشت

دعوت به خواندن رمان «ماهی‌ها نگاهم می‌کنند» نوشته ژان پل دوبوا ترجمه اصغر نوری

بیگانه مدرن

آرش آذرپناه

احتمالا نخستین چیزی که یک خواننده جدی ادبیات داستانی پس از خواندن رمان «ماهی‌ها نگاهم می‌کنند» از خود می‌پرسد این باشد که ایده مرکزی رمان واقعا چیست؟ آیا این رمانی است با تم ارتباط میان پدر و پسر یا روایتی است درباره پوچی زندگی‌های پوشالی در شهرهای مدرن یا مضمون آن روابط ناسالم دنیای مطبوعات است؟ شاید هم هیچ کدام؛ شاید رمان دنبال روابط نامتعارف انسان‌ها باشد؛ هم روابط نامتعارف بین عاشق و معشوق و هم پیوند نامتعارف بین پدر و پسر و هم میان کارمندو رئیس؛ پیوند نامتعارفی که به تمامی اعضای یک جامعه از خود بیگانه و از یکدیگر غریب نیز تسری می‌یابد. به هر حال پاسخ به این پرسش ساده نخواهد بود همان گونه که در پایان رمان بیگانه آلبر کاموز نیز نمی‌توان به راحتی ایده مرکزی رمان را از انبوه ایده‌های موجود در متن بیرون کشید. بنابراین شاید پیش از هر چیز باید «ماهی‌ها نگاهم می‌کنند» را یک بیگانه مدرن نامید. فرانسوی بودن نویسنده نیز احتمالا اتفاقی نیست، هرچند روایت موجز رمان تنه به ادبیات آمریکای شمالی بزند. اگر رمان کامو با مرگ مادر راوی آغاز می‌شود، رمان دوبوا، برعکس، با بازگشت پدر راوی از دنیای مردگان شروع می‌شود. اما نتیجه در هر دو رمان یکی است. در بیگانه موسو با جهان اطراف خویش بیگانه‌می‌گردد و در ماهی‌ها نگاهم می‌کنند زیرمان با همه قواعد و قراردادهای جهان پیرامونش. ماهی‌ها داستان از خود بیگانگی آدم‌هاست. آنها در دنیایی نامتعارف می‌زیند برای همین قواعدی نامتعارف برای زیستن برمی‌گزینند، اطافی آتش خویش در لب پنجره یا روابط نامتیمنی میان مهر و کینه بین پسر و پدر. اما

حتی این قواعد نامتعارف زیست زیرمان را از یکنواختی پوچی درنی‌آورد و به این ترتیب در پایان داستان او در واقع اگرچه مرگ پدر را تماشا می‌کند اما در حقیقت مرگ خویشش را به نظاره نشسته است. به این ترتیب ماهی‌ها نگاهم می‌کنند رمان عمیقی به لحاظ واکاوی روابط انسانی در زندگی مدرن شهری است؛ آن گاه که همه چیز نامتعارف شده است اما درعین حال هیچ کس از یکنواختی زندگی نجات نمی‌یابد. از همه چیز ارزنده‌تر آنکه رمان در هر مضمون یا ایده‌ای که ورود می‌کند خود را به آن محدود نگه نمی‌دارد و به این ترتیب نوعی جامعیت به مضمون می‌بخشد که در عین از میان نبردن انسجام داستان ایده مرکزی خود را در هزارتوی وقایع زندگی پنهان می‌کند. مثلا ابتدا به نظر می‌رسد رمان درباره روابط ناسالم دنیای روزنامه‌نگاری -به‌خصوص در بخش ورزشی- است. رمان در حال آسیب‌شناسی این زخم است که ناگهان مسیر روایت با آمدن پدر راوی عوض می‌شود. با این حال خواننده هنوز مشغول کشف روابط پیچیده پدر و پسر است که عشق نامتعارف زیرمان بر او منکشف می‌شود. به این ترتیب نویسنده با چیدن این دومینوی حوادث و پیچیدگی روابط نوعی ریتم درونی شتابناک به رمان می‌بخشد که سازگار و هماهنگ با زندگی انسان مدرن شهرنشین است. از این رو رمان در فصل‌های کوتاه و درنهایت ایجاز روایت می‌شود و به این ترتیب در عین پیچیدگی روابط میان شخصیت‌ها خوشخوان می‌ماند و کشش روایی‌اش را حفظ می‌کند. فکر می‌کنم برای پیشنهاد خواندن این کتاب نباید نام مترجم آن را هم فراموش کرد. قضاوت چگونگی ترجمه اصغر نوری را به کسی وامی‌نهم که به متن اصلی دسترسی دارد اما فقط یک چیز را می‌دانم. شاید مترجم دیگری اگر بود با خوان‌دن رمان از خیر ترجمه و چاپش به فارسی می‌گشت اما نوری چنین نکرده بلکه کتاب‌سال گذشته به ۲۸۶ هزار و ۵۸۰ نسخه کتاب رسیده‌بود. براساس آمار ارائه شده روی سایت موسسه خانه کتاب، ۲۴۵ کتاب فروشی در این طرح ثبت‌نام کردند که از این میان، ۵۷۷ کتاب‌فروشی در مراکز استان‌ها و ۱۶۸ کتاب‌فروشی در شهرستان، مستقر بودند که این میزان در مقایسه با «عیدانه کتاب» سال گذشته که با مشارکت ۳۷۶ کتابفروشی برگزار شد، مشارکت دوبرابری کتايفروشان را نشان می‌دهد. طرح عیدانه کتاب با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و موسسه خانه کتاب از ۱۵ اسفندماه سال ۹۵ تا ۱۴ فروردین ۹۶ به اجرا درآمد.

حاشیه

بیش از نیم میلیون جلد کتاب در طرح عیدانه فروش رفت

کروه ادب و هنر طبق گزارش روابطعمومی موسسه‌خانه کتاب، ۵۰۶ هزار و ۹۷۲ جلد کتاب در طرح عیدانه کتاب با مشارکت ۷۴۵ کتاب‌فروشی فروخته شد. این در حالی است که تعداد فروش کتاب در طرح عیدانه کتاب سال گذشته به ۲۸۶ هزار و ۵۸۰ نسخه کتاب رسیده‌بود. براساس آمار ارائه شده روی سایت موسسه خانه کتاب، ۲۴۵ کتاب فروشی در این طرح ثبت‌نام کردند که از این میان، ۵۷۷ کتاب‌فروشی در مراکز استان‌ها و ۱۶۸ کتاب‌فروشی در شهرستان، مستقر بودند که این میزان در مقایسه با «عیدانه کتاب» سال گذشته که با مشارکت ۳۷۶ کتابفروشی برگزار شد، مشارکت دوبرابری کتايفروشان را نشان می‌دهد. طرح عیدانه کتاب با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و موسسه خانه کتاب از ۱۵ اسفندماه سال ۹۵ تا ۱۴ فروردین ۹۶ به اجرا درآمد.

یادداشت، اخبار و گزارش‌هایی از ادب و هنر

سایبان سرخ علی عبداللهی منتشر می‌شود

از علی عبداللهی شاعر و مترجم زبان آلمانی قرار است به‌زودی در نشر چشمه مجموعه شعری در ۷۶ صفحه، با نام «سایبان سرخ» منتشر شود. «هی راه می‌رویم»، «بادها شناسنامه مرا بردند»، «درود بر نهنگ» و «این است که نمی‌آید» مجموعه شعرهای منتشر شده این شاعر خراسانی است. عبداللهی از مترجمان شاخص زبان آلمانی است.



موزه هنرهای معاصر تهران در ایام نوروز یکی از بی‌سابقه‌ترین بازدیدهای خود را تجربه کرد و طبق آمار روابط عمومی این موزه، از سوم فروردین تا دیروز، چهاردهم فروردین، بیش از ۱۵ هزار نفر از این موزه امسال بازدید کرده‌اند. این اتفاق بیشتر بابت تماشای نمایشگاه منتخبی از آثار ایرانی و خارجی گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران با عنوان «مسافران برلین و رم» است که تهرانی‌ها و مسافران پایتخت و گردشگران خارجی را رغب به بازدید از آن کرد. این نمایشگاه که شامل ۲۱ اثر از هنرمندان برجسته ایرانی و ۳۰ اثر از هنرمندان خارجی است از ۱۷ اسفند در سکوت خبری کامل افتتاح شده و تا ۲۶ خرداد امسال میزبان علاقه‌مندان است.

مجموعه آثار خارجی موزه هنرهای معاصر تهران یکی از برجسته‌ترین مجموعه‌ها از نیمه دوم سده نوزدهم تا دهه ۸۰ میلادی، بیرون از اروپا و آمریکای شمالی به‌شمار می‌آید. بابهرام دبیری، از نقاشان صاحب‌نام معاصر درباره این رویداد مهم به گفت‌وگو نشست.ایم.

شما از جمله کسانی بوده‌اید که از انتقال گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران به برلین و رم مخالف بوده‌اید. حال که این آثار در موزه به نمایش گذاشته شده آیا فکر می‌کنید به تمام مخالفت‌ها و اعتراض‌های شما پاسخ داده شده است؟
در یکی دو سال گذشته من و دیگران در مورد واگذاری موزه در خصوص فرستادن آثار به خارج از کشور حرف زده‌ایم. همه آن سوال‌ها و اعتراض‌ها هنوز سر جایش است. از آنجا که مسئولی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا نمایندگان این وزارتخانه در امور هنرهای تجسمی و... هیچ پاسخی به ما نداده است پس تمام سوال‌ها و تردیدها و شک‌ها در جای خود باقی است؛ چون هیچ پاسخی به مردم ایران یا لاقابل به‌هنرمندانی که در جریان هستند و این مسائل برایشان اهمیت دارد، داده‌نشده است. در مورد بردن این نمایشگاه به برلین و رم باز در مطبوعات من و دیگران حرف زده‌ایم و به رفتاریهای یواشکی و مخفیانه‌ای که خود به خود تکرار کننده است اعتراض کرده‌ایم. به خاطر اینکه ۶۰ تا ۷۰ کار دارد می‌رود؛ در شرایطی که ما اصلا نمی‌دانیم چه آثاری در موزه هست و این آثاری که دارد می‌رود چه هستند. خوشبختانه با همه این موارد ما توانسته‌ایم موثر باشیم و جلوی این خطر و تصمیم غلط را بگیریم.

یعنی شما فکر می‌کنید این آثار نباید در کشورهای دیگر به نمایش گذاشته شود؟

بردن آثار از موزه هنرهای معاصر به هر جای جهان یا آوردن آثار موزه‌ها را هر جابه ایران اتفاق خوبی است. این

گفته‌ها

انتقاد نادر مشایخی از وضعیت آموزش موسیقی در دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌ها

نوازنده‌ها را مطرب بار آورده‌ایم

نادر مشایخی، رهبر اپنتر ارکستر تهران در گفت‌وگو با «ایلنا» از وضعیت آموزش موسیقی در دانشگاه‌ها انتقاد کرده و گفته است: «جوانان ما بسیار با استعداد و کوشا هستند و سعی دارند بیاموزند؛ اما نوع تدریس در دانشگاه‌های ایران بد است. سازهای زهی که در ایران تدریس می‌شود صدای‌شان حجم ندارد. موزیسین‌های زیادی نیز به ایران می‌آیند تا آرشه‌کشی به موزیسین‌های ما بیاموزند. به‌یاد داشته باشید که گوش بچه‌های ما بسیار قوی است اما ارکستر ما فالش است؛ چرا که آنها از کودکی یاد نمی‌گیرند که با دقت بزنند و تماشش به نوعی از سر باز کردن کار است. متأسفانه ما از کودکی نوازنده‌ها را مقداری مطرب بار آورده‌ایم که این امر ناشی از شیوه تدریس موسیقی در ایران است.» آهنگساز و رهبر ارکستر درباره وضعیت آموزش موسیقی در دانشگاه‌ها و آموزشگاه‌های موسیقی گفته است: «در وهله اول نوع تدریس در تمام دانشگاه‌های ایران اشتباه است. دانشجویان ما در این چهار سال فقط به دنبال گرفتن مدرکند و تازه بعد از دانشگاه

داستان‌هایی برای چهار فصل سال

محمدرضا یوسفی، نویسنده و پژوهشگر ادبیات کودک و نوجوان، از تالیف ۵۲ داستان کودک در قالب مجموعه «داستان‌های چهار فصل» خبر داد. «داستان‌های چهار فصل» جزء معدود کارهای مجموعه داستان تالیفی کودک در ایران است. این مجموعه شامل ۵۲ داستان مستقل است و به گونه‌ای طراحی شده که برای هر هفته کودک یک داستان داشته باشد.



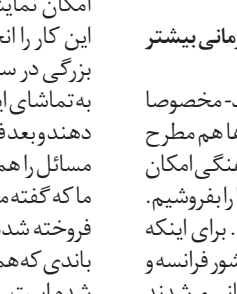
با بهرام دبیری درباره نمایشگاه منتخبی از آثار گنجینه موزه هنرهای معاصر

هر ملتی روزی بیدار می‌شود



بهرام دبیری

ارتباط باید وجود داشته باشد برای اینکه این آثار در عین اینکه در مالکیت ملت ایران است در مالکیت تمام مردم جهان است که حق دارند این آثار را ببینند. اما مشکل و مخالفت ما در اصل قضیه انتقال آثار و نمایش دادن آنها در دیگر موزه‌های جهان نیست. مشکل ما این است که کوچک‌ترین اعتمادی به مدیران و مسئولان فرهنگی نداریم. بارها به ما ثابت شده که برخی مخفیانه خواسته‌اند کارهایی بکنند اما وقتی حرفش را زدیم انکار کرده‌اند تا اینکه سندش در فضای مجازی و مطبوعات منتشر شد. اول باید این مسائل حل شود و پس از آن خوشحال خواهیم شد که این آثار به هر جای دیگر دنیا و برای دیدن مردم جاهای دیگر برود. هر چند مردم خود ما از دیدن آنها محروم هستند.



تردیدها و بی‌اعتمادی به نمایندگان از چه زمانی بیشتر از همه خود را نمود داد؟

مساله‌ای که گاهی حرفش به میان می‌آید- مخصوصا در دوران آقای خاتمی بیشتر از همه دوره‌ها هم مطرح شد- این بود که آثاری هستند که به دلیل برهنگی امکان نمایش‌شان در ایران نیست، پس باید اینها را بفروشیم. در واقع تردیدها از همان موقع شروع شد. برای اینکه تعداد کارهایی که اواخر قرن نوزدهم در کشور فرانسه و در پاریس وجود داشتند، خیلی از این آثار سانسور شدند و اجازه نمایش نداشتند اما این دلیل بر آن نمی‌شد که موزه اورسه یا موزه لوور بخواهند این کارها را بفروشند. محدودیت‌ها، مقوله‌ای ابدی نیست. این موارد در شرایط مختلف می‌تواند تغییر کند ولی اینجا صحبت گنجینه است. خب همان روزها این تردیدها شروع شد که آقا

شما به چه اجازه‌ای و با کدام نگاه می‌خواهید این آثار را بفروشید؟ آن هم آثاری که ما از بی‌خبریم و تاکنون آنها را ندیده‌ایم.

برپایی این نمایشگاه را دلیل بر چه چیزی می‌دانید؟ آیا این حرکت می‌تواند تردیدها را از بین ببرد؟
الان هم با این همه سروصدایی که به پا شده عقب‌نشینی‌هایی که بعضی از ماموران کرده‌اند، باز آمده‌اند برای یک جور دلجویی یا بی‌خطا جلوه دادن خودشان این آثار را در موزه نمایش می‌دهند و کوچک‌ترین تبلیغی نشده است. تقریبا همه بی‌خبرند و ما این خبر را از فضای مجازی و از طرف کسانی می‌شنویم که همان روزها این پرونده را در آورند و مساله را روشن کردند. اگر این آثار امکان نمایش پیدا کرده پس چرا موزه باید یواشکی این کار را انجام دهد؟ ضرورت داشت که بیلبوردهای بزرگی در سطح شهر نصب شود و ملت را دعوت کنند به تماشای این آثار. نه اینکه یواشکی مدتی آنها را نشان دهند و بعد فکر کنند کارشان را انجام داده‌اند. همه این مسائل را همراه کنید با سوال‌ها و تردیدهای بی‌جواب ما که گفته می‌شود بسیاری از این آثار در دوره‌های قبل فروخته شده، به ما گفته شده برخی از این آثار توسط باندی که همه‌جا هست، برده شده و کپی آنها برگردانده شده است. من نمی‌خواهم در اینجا ادعا کنم که این حرف‌ها درست است بلکه می‌خواهم بگویم این تردیدها وجود دارد و این تردیدها وقتی به یقین نزدیک می‌شود که می‌بینیم مسئولان هیچ واکنشی نشان نمی‌دهند. ۴۰ سال از تاسیس این موزه می‌گذرد. هنوز مردم ایران کتابچه یا کاتالوگ یا آماری از آثار این گنجینه چه ایرانی

ادبیات

نقد عناصر داستان در آثار فرزانه کرم‌پور در دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد

حوادر خیابان

کروه ادب و هنر فرزانه کرم‌پور بیش از دو دهه است که آثار داستانی‌اش را به طور مستمر در نشریات و نشرها منتشر می‌کند. «کشتارگاه صنعتی» نخستین مجموعه اوست که در نیمه دوم دهه هشتاد منتشر شد و در آن سال‌ها، نوید نویسنده‌ای با دغدغه‌های ترسیم زنان در فضای صنعتی و کارگری نشان داد. کرم‌پور، زنان و دغدغه‌ها و مشکلات‌شان را در دنیای صنعتی و کارگری به تصویر می‌کشد. کرم‌پور در تازه‌ترین مجموعه داستانش که پارسال با نام «باقی مانده از...» منتشر کرد، همچنان از زنان ایرانی در فضای امروزی می‌نویسد. دغدغه‌های این نویسنده، آثار او را با نویسندگان زن دیگر متمایز می‌کند که وجه افتراق آن بیشتر از همین زاویه است. به تازگی بیتا محمدی، یکی از دانشجویان کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه آزاد اسلامی نجف‌آباد در پایان نامه خود با عنوان «نقد و تحلیل عناصر داستان در آثار فرزانه کرم‌پور» به بررسی اهمیت عناصر داستانی پیزنگ، حقیقت‌مانندی، درونمایه،

قربانی در فرانسه کنسرت می‌دهد

علیرضا قربانی خواننده موسیقی کشورمان هفتم آوریل در یک فستیوال معتبر بین‌المللی که در شهر کوین فرانسه برگزار می‌شود، کنسرتی را برای مخاطبان این رویداد اجرا خواهد کرد. این خواننده روز دهم آوریل نیز در بخش بین‌المللی رادیو فرانس اجرای ویژه‌ای را دارد.



و چه خارجی ندارند. گفته می‌شود اسناد سوزانده شده است. برمی‌خوریم به اینکه ۲۷ اثر توسط برخی از موزه‌ها به عنوان کارهای غیر موزه‌ای خارج می‌شود و بعد بعضی این آثار را در بازار دزدی برای یکی از بانک‌ها می‌خرند. نمی‌دانم اسم بانک چیست. اشاره‌ام بیشتر به اثر بهمن محصص است که برای بانکی از بازار قاچاق خریده شد. بعد آن آقامی گوید که من خبر نداشتم. آقا شما موزه‌دار بودی و خودت هم امضا کردی که از موزه بیرون رود ولی حالا داری آن را از خیابان می‌خری و بعدمی‌گویی من نمی‌شناختم نمی‌دانستم. در نتیجه تمام این آسیب‌های بزرگی که در بخش فرهنگی ایران دارد اتفاق می‌افتد خطرناک است و همه ما نگرانیم. اگر صدای مردم در نمی‌آید برای این است که مردم از صبح تا شب انقدر درگیر گذر روزمره زندگی‌شان هستند که مجالی برای فکر کردن به این امور ندارند؛ اما هر ملتی روزی بیدار می‌شود. هیچ تاریخی را نمی‌شود مخفی و کم کرد. این بدنامی‌ها خواهد ماند.

این گنجینه میراث جهانی است، چرا من هر بار باید بی‌خود شکایت کنم؟ همین اتفاق در مورد میراث فرهنگی می‌افتد، در خصوص بریدن درخت‌های کهنسال باغ‌های تهران هم می‌افتد. همین الان در تهران جایی برای نفس کشیدن و پیاده رفتن نیست. این مساله فقط کلیت ماجرا است. ولی در موقعیت خاص ما نگران اموال موزه هستیم که هیچ کس هم متأسفانه پاسخگو نیست.

پیشنهاد شما برای مردمی که می‌خواهند به تماشای این آثار بروند، چیست؟

به یاد روایتی اقدام که ظاهرا از امیرکبیر است. او می‌گوید اول فکر کردم برای نجات زمین، پادشاهی یا وزیری یاوکلی خردمند و دلسوز لازم است، اما بعدها به این نتیجه رسیدم که ملتی هوشیار برای این هدف لازم است. مردم ما نسبت به این امور بی‌اعتنا هستند. مردم باید بروند این آثار را تماشا کنند و بشناسند و بدانند این آثار جزء اموال‌شان است. اشاره کردم مردمی که گرفتار گذران روزمره خود هستند، فراغتی برای خواندن کتاب وقتن به نمایشگاه و کنسرت دیدن موزه‌ها ندارند. این مساله شامل موزه ایران باستان و موزه‌های دیگر و تیراژ کتاب در ایران هم می‌شود. شامل بازدیدکنندگان از گالری‌های نقاشی هم هست. تالار رودکی ۷۰۰ نفر جا دارد. این چه ربطی به یک شهر ۱۰۷۰۰ میلیونی دارد؟ در گالری‌هایی که آثار حتی نقاش‌های محبوب به نمایش گذاشته می‌شود، در شب اول افتتاحیه هزار نفر و در شب‌های دیگر دو تا سه نفر هستند. این تقصیر مردم نیست؛ بلکه مقصر مسئولان فرهنگی‌اند که جذابیتی ایجاد نمی‌کنند و آموزش نمی‌دهند. آموزش و پرورش ما این آموزش‌ها را جزء برنامه‌های درسی‌اش قرار نمی‌دهد. در فرانسه و اروپا که برای دیدن نمایشگاه می‌رود باید ماه‌ها پشت در نمایشگاه صف بکشید. در کشوری مثل فرانسه، بچه‌ها را از کودکان می‌برند لوور تا آثار را ببینند و از روی آنها نقاشی می‌کنند. بخش فرهنگ و هنر در نظام آموزش و پرورش ما که از کودکی آغاز می‌شود مطلقا فراموش شده است. خب چه انتظاری دارید از ملت ما؟ ملت ما از دارایی‌های خود بی‌خبر است؛ از خانه‌های تاریخی، از طبیعت و... و این در شرایطی است که به باور من یک زن‌سانس در ایران در حال وقوع است.